

## شارلوت برونته

# جین ایر

ترجمه محمد تقی بهرامی حرّان

## درباره نویسنده

در ماه اوت سال ۱۸۴۷ نویسنده ناشناسی به نام کارر بل داستانی انتشار داد که بعدها یکی از کتاب‌های پر فروش و ماندگار جهان شد. در سامبر همان سال اکتن و الیس بل نیز هر کدام کتاب داستانی منتشر ساختند. کتاب‌های این دو نفر فروش نرفت اما کتاب نخست مورد توجه زیاد قرار گرفت و اکنون یکی از آثار مهم کلاسیک به شمار می‌آید.

کارر، اکتن و الیس بل اسامی مستعار شارلوت، ان و امیلی برونته بودند و داستان‌هایشان هم عبارت بود از *جین ایر*، *اگنس گری و بلندی‌های بادگیر*.

طبقه کتابخوان و منتقدان به دو کتاب *اگنس گری و بلندی‌های بادگیر* توجه چندانی نشان ندادند، اما از *جین ایر* استقبال فراوانی شد و محافل ادبی لندن برای شناختن نویسنده آن کنجکاوی و اشتیاق زیادی نشان دادند.

شارلوت برونته (کارر بل) از دو خواهر خود شخصیت نیرومندتری داشت. ظاهر او تصویر کاملی از یک بانوی عصر ویکتوریا بود، اما طبیعت عاطفی و حساس، تیزهوشی و تربیت خاص او باعث شد که او از حد یک نویسنده معمولی فراتر رود. او ضمن برخورداری از نشاط و سرزندگی درونی، زنی بود قوی اراده، باوجدان و تا اندازه‌ای سلطه‌جو. شارلوت، سومین کودک از شش فرزند پاتریک برونته و ماریا برنول، در بیست و یکم آوریل ۱۸۱۶ به دنیا آمد. پدرش کشیش کلیسای انگلیس بود و چنان در کارها سخت می‌گرفت که به آسانی نمی‌شد با او کنار آمد، اما از پرورش استعداد داستان‌پردازی و شعرگویی،

که در سه دختر خود یافته بود غفلت نمی کرد. وقتی شارلوت پنجساله بود خانم برونه مرد، و خاله الیزابت که پیردختری بود، تربیت آن کودکان را برعهده گرفت.

در سال ۱۸۲۴ شارلوت، ان، امیلی و دو خواهر بزرگترشان ماریا و الیزابت به مدرسه فرستاده شدند؛ اما یک سال بعد، این دو خواهر بزرگتر که مبتلا به بیماری سل بودند پس از بازگشت به خانه مردند. می گویند مؤسسه لووود، که جین ایر هشت سال از عمر خود را در آنجا گذرانید، شبیه مدرسه ای است که شارلوت و خواهرانش در آن درس می خواندند؛ مرگ غم انگیز هلن برنز در داستان **جین ایر** هم با مرگ ماریا برونه شباهت هایی دارد، و به طور کلی از آنچه از زندگی شارلوت برونه و خانواده و آشنایانش برمی آید اکثر وقایع داستان **جین ایر** بر مبنای واقعیت نوشته شده.

پدر شارلوت در سال ۱۸۴۴ بینایی خود را از دست داد و او ناگزیر شد مدرسه را ترک گوید و به محل مأموریت روحانی پدر خود برگردد. ان و امیلی که وضع جسمانی بسیار بدی داشتند و همینطور برادرش - که دائم الخمر شده بود - هر سه در فاصله ماه های سپتامبر ۱۸۴۸ و مه ۱۸۴۹ مردند.

شارلوت با پدر پیر خود تنها ماند و چندی بعد، که از کتاب **جین ایر** استقبال زیادی شده بود، توانست به نقاط مختلف انگلستان سفر کند. در سال ۱۸۵۴، در سن ۳۸ سالگی با دستیار پدر خود، آرثر نیکولز، ازدواج کرد و یک سال بعد، در حالی که در انتظار تولد کودک خود بود، زندگی را بدرود گفت. آثار دیگر شارلوت برونه عبارتند از: **پروفیسور، شرلی و ویلت** که، بعد از **جین ایر** از ارزش و الایی برخوردارند.

اول مهر ماه ۱۳۷۰  
محمدتقی بهرامی حران

در این ترجمه، کلیه توضیحات ذیل صفحه ها از مترجم است.

آن روز نمی شد پیاده روی کرد؛ در واقع، صبح، یک ساعت میان بوته زار بی برگ پرسه زده بودیم، اما از موقع ناهار به بعد (خانم رید وقتی مهمان نداشت زود ناهار می خورد) باد سرد زمستانی ابرهای چنان تیره و ملال آوری با خود آورده بود و باران چنان در تن آدم نفوذ می کرد که پیاده روی و استفاده از هوای آزاد اکنون دیگر اصلاً امکان نداشت.

— من از این موضوع خوشحال بودم. برای این که هیچوقت پیاده روی های طولانی، مخصوصاً در عصرهای سرد، را دوست نداشتم، چون بعد از بازگشت به خانه - در هوای نیمه تاریک و سرد غروب که نوک انگشت های دست و پایم از سرمایی حس شده بود - قلبم از سرزنش های بسی دایه جریحه دار می شد و از مشاهده حقارت جسمی خود در برابر الیزا، جان و جیورجیانا احساس خفت می کردم.

در این موقع الیزا، جان و جیورجیانا در اتاق نشیمن دور «امان» خود جمع شده بودند و او که عزیز دُرْدانه هایش را در کنار خود داشت کاملاً خوشحال به نظر می رسید (چون عجالتاً نه دعوایی بود و نه سروصدایی). مرا از پیوستن به جمع خودشان منع کرده و گفته بود: «متأسفانه ضرورت ایجاد می کند تو را از خودمان دور نگهداریم. تا وقتی بسی به من نگوید (و خودم شخصاً مشاهده نکنم) که تو با جدیت زیاد وضع مطلوب تر و مناسب تری بر حسب سن و سالت پیدا کرده ای و تا وقتی نبینم که رفتارت شایسته تر و دلنشین تر شده باید تو را از امتیازات مخصوص بچه های مؤدب و با نشاط محروم کنم.»